

## سعدالدوله

محمود فاضلی

میرزا جوادخان سعدالدوله در سال ۱۲۱۵ ه‍. ش در خوی دیده به جهان گشود. وی در تبریز به تحصیل علوم حوزوی پرداخت و مقدمات ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی را آموخت و در نزد مبلغین مسیحی فرانسوی به فراگیری این زبان پرداخت. در سال ۱۲۴۳ به همراه خانواده‌اش به تهران آمد و در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد. به دلیل رابطه حسنه با مخبرالدوله با دختر وی ازدواج کرد اما این دوستی ها بسیار زودگذر بود و سعدالدوله سرانجام دختر وی را طلاق داد. از این زمان وی به فعالیت‌های سیاسی مخفی روی آورد. به دلیل پایه‌ای از موفقیت‌های اقتصادی اش سفیر ایران در بلژیک شد. در کابینه عین‌الدوله وزیر تجارت بود و در این زمان زمزمه‌های انقلاب مشروطیت کم‌کم شنیده می‌شد و چون سعدالدوله در زمره مخالفین عین‌الدوله بود لذا عین‌الدوله وی را به بهانه تحریک بازرگانان به یزد تبعید کرد. دوران تبعید تا زمان پیروزی انقلاب مشروطیت ادامه یافت. البته دوران تبعید برای وی به ضرر وی تمام نشد بلکه به برکت همین تبعید توانست وجهه‌ای برای خود کسب کند و در مجلس از طرف اعیان به عنوان نماینده انتخاب شود و نقش مهمی در تدوین قانون اساسی ایفا کند.

وی در دوران تبعید در مکاتبات خود بازرگانان را به مقاومت در برابر عین‌الدوله و مطالبه عدالتخانه تشویق می‌کرد و حتی به آنان توصیه می‌کرد در صورت لزوم در سفارت انگلیس متحصن شوند. وقتی فعالیت‌های مشروطه‌خواهان شدت گرفت دو نامه سعدالدوله که اقدام به تحریک بازرگانان نموده بود به دست مخبرالدوله



افتاد و وی آن را در اختیار عین‌الدوله قرار داد و او دستور داد که سعدالدوله را زندانی کنند که البته قبل از این اقدام وی اقامتگاه خود را به قصد کنسولگری انگلیس ترک کرد و با کنسول این کشور ملاقات کرد. کنسول از کنسولگری بوشهر کسب تکلیف کرد و دستور آمد که از سعدالدوله پذیرایی به عمل آید.

پس از قتل اتابک و یا حتی پس از کناره‌گیری مشیرالدوله، سعدالدوله که خود را آماده زمامداری می‌کرد باز هم انتخاب نشد. در این هنگام نه مشروطه‌خواهان از او رضایت داشتند و نه درباریان به او اعتماد کردند. در حادثه تپوخانه سعدالدوله متهم به تحریک بر ضد مشروطه شد و مجلس مجازات او را خواستار شد. ترس ناشی از این حوادث وی را مأمور کرد تا نسبت به سفارت هلند کرد که همین امر با مخالفت افرادی همچون ملک‌المکتلین روبه‌رو شد. در دوره استبداد صغیر که ناصرالملک از پذیرش رئیس‌الوزاری خودداری کرد محمدعلی شاه قاجار وی را مأمور کرد تا نسبت به تشکیل کابینه اقدام کند. همزمان با تشکیل کابینه سعدالدوله اوضاع سیاسی کشور دستخوش هرج و مرج شده و رو به وخامت می‌رفت و نیروهای شمال و جنوب یعنی سپهبدار اعظم و سردار اسعدبختیار در جهت تصرف پایتخت در حرکت بودند و سعدالدوله هرقدر تلاش کرد ولی کوشش‌های او سودی نخبشید و تهران به دست مجاهدین مشروطیت فتح شد. سعدالدوله همانند محمدعلی‌شاه قاجار به یکی از سفارتخانه‌ها متوسل شد و پس از آن که از دولت تأمین گرفت راهی فرنگستان شد. وی در سال ۱۲۹۱ پس از توقف طولانی در فرنگستان راهی ایران شد، تلاش زیادی را برای کسب مقام صدارت نمود ولی با ناکامی روبه‌رو شد. سعدالدوله هرچند در ابتدا و در راه استقرار مشروطه کوشا بود اما به مشروطه وفادار نماند و پناهنده شدن به کنسولگری و سفارتخانه‌ها را یک اقدام عادی می‌دانست. سعدالدوله سرانجام در سال ۱۳۰۸ ه‍. ش در سن ۹۳سالگی درگذشت.

### فاله مرغ اسیر

■ **شعر** از عارف قزوینی درباره میهن دوستی

**صد متن**

تاله مرغ اسیر این همه بهر وطن است

مسلك مرغ گرفتار قفس همچو من است

همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد

خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

فکری ای هموطنان! در ره آزادی خویش

بنمایید که هر کس نکند، مثل من است

خانه‌ای کوشود از دست اجانب آباد

زاشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحنز است

جامه‌ای کونشود غرقه به خون بهر وطن

بدر آن جامه که نگ نگن و کم از کفن است

همه اشراف به وصلت خوش همچون خسرو

رنجبر در غم هجران تو چون کوهکن است.

### ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir
پست الکترونیک info@100years.ir
ارسال مقالات article@100years.ir

### گزارش سال ۱۳۰۵

آغاز این سال برای شیعیان ایرانی بسیار غم‌انگیز بود. اماکن مقدس شیعیان در عراق، به حکم قاضی‌القضات وهابی‌ها مورد تعرض قرار گرفت و قبّه و ضریح آن اماکن ویران شد. روحانیون بلندپایه شیعی ساکن عراق طی تلگرافی به همپایگان ایرانی خود، خواهان رسیدگی و همکاری شدند. حاج‌امام‌جمعه خویی برخی از مدیران مطبوعات را به خانه خود در تهران فراخواند و فاجعه مدینه را به آنان خبر داد. چندی‌نگذشت که خبر این رویداد محافل سیاسی و فرهنگی در ایران را تحت‌تاثیر قرار داد. مجلس شورای ملی در واکنش به این حادثه کمیسوینی با حضور روحانیون ایرانی از جمله امام‌جمعه تهران، سیدمحمدبهبهانی فرزند شادروان سید عبدالله بهبهانی، آیت‌الله زاده خراسانی فرزند شادروان ملامحمد کاظم خراسانی، حاج‌میرزا محمدرضا کرمانی، سیدحسن مدرس و حاج یحیی امام‌جمعه خویی و با شرکت سیاسیوینی همانند مستوفی‌الممالک و وثوق‌الدوله-که به تازگی به ایران برگشته بود- مشیرالدوله، احتشام‌السلطنه و محتشم‌السلطنه تشکیل گردید تا درباره رفتار وهابی‌های تندرو در مدینه چاره‌ای بیابند.

همچنین در آغاز این سال، نخستین کشوری که در عهد پهلوی اول قرارداد همکاری با ایران منعقد نمود ترکیه بود. پیش از این گفتیم که رضاخان پهلوی مشابهت‌های سیاسی فراوانی میان خود و مصطفی‌کمال- آتاتورک بعدی- می‌دید و تلاش می‌کرد تا از روش‌های سیاسی وی الگو بگیرد. در بهار این سال رضاخان پهلوی تاجگذاری نمود. این مراسم با حضور روحانیون، بازرگانان و برخی سرشناسان سیاسی و اجتماعی برگزار شد. به همین مناسبت در تهران و شهرستان‌ها سه‌شنبه‌روز جشن و چراغانی برپا بود. همچنین نخستین دستگاه بی‌سیم در قصر قاجار راه‌اندازی شد و موجودیت خود را به تمام ایستگاه‌های بی‌سیم جهان اعلام نمود. نخستین ایستگاهی که پاسخ داد، بی‌سیم مسکو بود که راه‌اندازی بی‌سیم در ایران را تبریک گفت. و نیز برای نخستین بار هواپیماهای اسکادران هوایی ایران در آسمان تهران به نمایش درآمدند. در ماه پایانی بهار، دولت ذکاء‌الملک- محمدعلی فروغی- از کار افتاد و مستوفی‌الممالک به‌جای او نشست. از کارهای شگفت‌انگیز پهلوی اول یکی هم این بود که برخلاف سنت معمول سرسلطه‌های ایرانی که با سقوط خاندان سلطنتی قبلی و روی کار آمدن خاندانی دیگر، همه دولت‌مردان پیشین از کار برکنار و خانه‌نشین می‌شدند، وی از دولت‌مردان درستکار پیشین بهره می‌برد و کاری به پیشینه‌شان در سلطنت قبلی نداشت. در خردادماه به فرمان پادشاه عربستان کنفرانس کشورهای اسلامی در مکه تشکیل شد تا درباره تجدید خلافت و چگونگی نگهداری از اماکن مقدس مکه و

افتاد و وی آن را در اختیار عین‌الدوله قرار داد و او دستور داد که سعدالدوله را زندانی کنند که البته قبل از این اقدام وی اقامتگاه خود را به قصد کنسولگری انگلیس ترک کرد

هر یک از پژوهشگران تاریخ معاصر با استفاده از یک منبع خطی و یا چاپی به‌زم خود، فرمان مشروطیت - یا بهتر بگوئیم فرمانی را که بعدها به فرمان مشروطیت نامبردار شد - آورده‌اند. اما جالب است بدانیم که در بیشتر این فرمان‌های چاپی واژه‌ها متفاوتند و پس از یک قرن کسی نمی‌داند کدام یک از فرمان‌ها اصالت بیشتری دارد. استاد ایرج افشار دو سال پیش فرمودند: «پس از صد سال نمی‌دانیم فرمان مشروطیت کدام است؟ تجسسی درباره چاپ‌شده‌های فرمان مشروطیت در روزنامه‌های آن عهد نشده، شما متن‌های چاپی روزنامه‌ای را برای اطلاع همگان تجدید چاپ کن تا شاید کمکی باشد برای محققان تاریخ معاصر. . . .» اما من با بررسی روزنامه‌های آن روزگار متوجه شدم که متن‌های مندرج در مطبوعات نیز به دلیل اختلاف‌های لفظی بر پیچیدگی ماجرا می‌افزاید. شاهد این مدعا دو نمونهٔ ثبت است. یک نمونه از نشریه‌های چاپ داخل و دیگری از روزنامه‌های چاپ خارج. چاپ کرده نشریه ایران با تفاوت‌هایی به فرمانی که در همان روزها چاپ لائوتینی شده شبیه است و متن چاپی مندرج در جبل‌المتین تا حدودی با فرمانی همخوانی دارد که در بیشتر کتاب‌ها آورده‌اند:

**«ایران (چاپ تهران) /سواد فرمان مه‌رلمعان/ جهانمطاع همایونی/ جناب اشرف صدراعظم**

از آنجا که حضرت برای تعالی جل شأنه سر رشته ترقی



مدینه به شور بنشینند. مستوفی‌الممالک نیز در روزهای پایانی این ماه بیانیه‌ای صادر کرد و در آن به رفتار وهابیون نسبت به اماکن مقدس شیعی اعتراض کرد و مراتب تاسف و تالم دولت و ملت ایران را ابراز نمود. وی از مسلمانان جهان خواست تا جلوی اینگونه رفتار دوران جاهلیت و توحش را بگیرند. مجلس شورای ملی هم طرخی را با قید دو فوریت تصویب کرد که به موجب آن یک کمیسون دوازده‌نفری از شعبه‌های شش‌گانه مجلس، به عنوان «کمسیون حرمین شریفین»، موظف شد تا نسبت به رفتار وهابیون و راه‌های مقابله با آن در آینده مطالعه و گزارش نماید.

در تابستان این سال، انتخابات مجلس ششم پایان یافت و باز هم تهران از دخالت نظامیان دور ماند و مدرس، مصدق، ملک‌الشعرا بهار، مشیرالدوله، موتمن‌الملک، میرزا هاشم آشتیانی و مستوفی‌الممالک، چند تن دیگر به مجلس راه یافتند.

از رویدادهای شگفت‌انگیز این سال، شورش نظامیان در گوشه و کنار کشور بود. سربازان و درجه‌داران فوج سلماس بر فرمانده خود سرهنگ یوسف‌خان ارغی شوریدند و وی را تکه تکه کردند! آنها که به دلیل نرسیدن حقوق سر به شورش گذاشته بودند، پس از غارت پادگان و بردن اسلحه‌ها به سوی شهر خوی گریختند. بی‌درنگ لشکر تبریز مأمور سرکوب و دستگیری شورشیان شد و پس از دستگیری، دادگاه ویژه صحرایی به ریاست امیرلشکر حسین آقا خزاعی به محاکمه شورشیان پرداخت. این دادگاه در آغاز حکم به اعدام همه ۱۸۰ نفر درجه‌داران و سربازان شورشی داد و سرانجام ۵۶ تن از آنان را به جوخه آتش سپرد. در همین هنگام پادگان مراوه‌تپه نیز به فرماندهی سلطان- سروزان-

# ترورد و سرکوب آغاز شد



از جهان فرو بست.

در بهمن‌ماه برخی نمایندگان مجلس دولت مستوفی را استیضاح کردند. مستوفی بی‌آنکه در مجلس حاضر شود، پاسخ استیضاح را کتبی به مجلس فرستاد و استعفا داد، اما باز هم شاه و مجلس به ریاست وزرای او تمایل نشان دادند و مستوفی نیز کابینه خود را به مجلس معرفی کرد. در این کابینه علی‌اکبر داور که وزیر عدلیه- دادگستری- بود، دست به کار بنیادینی زد و همه قضات پیشین را بیرون کرد. وی کلیه تشکیلات قضایی و اداری وزارتخانه را منحل کرد و طرحی نو درافکند. در این سال همچنین قانون مجازات عمومی به اجرا درآمد. پنجاه و هفت دانشجوی نظامی برای ادامه تحصیل راهی اروپا شدند و برای نخستین بار اتاق تجارت در ایران تشکیل شد. ریاست اتاق تجارت تهران با حاج حسین آقا امین‌الضرب- مهدوی- بود. کابل‌کشی زیرزمینی تلفن هم‌از اقدامات دولت در این سال بود. بلدیه- شهرداری- تهران نیز آگهی داد تا زمانی که چراغ برق در همه خیابان‌های تهران روشن نشده با چراغ زنبوری شب‌های تهران را روشن خواهد کرد.

لا‌ایحه راه‌اندازی و واگذاری اتوبوسرانی تهران به یک کمپانی دانمارکی نیز از سوی دولت در این سال تقدیم مجلس شد. همچنین در این سال، بانک رهائی ایران با سرمایه ۵۰۰/۰۰۰/۴ ریال و در محل سابق بانک استقراضی روس گشایش یافت. لا‌ایحه تاسیس راه‌آهن سراسری نیز در پایان این سال تقدیم مجلس شد.

خبرهای حوزه فرهنگ نیز یکی چاپ نشریه ایران‌مصور و دیگری چاپ نخستین شماره روزنامه اطلاعات به مدیریت و سردبیری عباس سعودی در تیرماه این سال بود.

# فرمان مشروطیت کدام است؟

سیدفرید قاسمی

و سعادت ممالک محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهُذا در این موقع که رای همایون ملوکانه ما بدان تعلق گرفته که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشیید و تأیید میانی دولت اصلاحات مقتضیه به مرور در دوائر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود چنان‌که مصمم شدیم و علماً و قاجاریه و شوری‌ای از منتسبین شاهزادگان و شهبان و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را به عمل آورد و به هیئت‌وزرای دولخواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوش‌بختی ایران و همایونی ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهُذا در این موقع که رای همایونی ملوکانه ما بدان تعلق گرفته برای رفاهیت و آسوده‌گی قاطبه اهالی ایران و تشیید و تأیید میانی دولت اصلاحات مقتضیه امروز در دوائر دولتی و مملکتی به مواقع اجرا گذارده شود چنان‌که مصمم شدیم که مجلسی از منتسبین شاهزاده‌گان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و

و بعون‌الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ما است افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجرای قوانین مقدس شروع نماید و نیز مقرر می‌فرمایم که سواد دست‌خط مبارک را اعلان و منتشر نمایم تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً رابع به ترقی دولت و ملت ایران است کامیابینی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگوئی باشند. در قصر صاحبقرانیه به تاریخ چهاردهم شهر جمادی‌الثانیه سنه ۱۳۲۴ هجری سال یازدهم سلطنت ما .»

**حبل‌المتین (چاپ کلکته) /فرمان مهر لمعان همایونی/ در خصوص شورای ملی**

جناب اشرف صدراعظم از آنجایی که حضرت باری‌تعالی جل شأنه سر رشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایونی ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهُذا در این موقع که رای همایونی ملوکانه ما بدان تعلق گرفته برای رفاهیت و آسوده‌گی قاطبه اهالی ایران و تشیید و تأیید میانی دولت اصلاحات مقتضیه امروز در دوائر دولتی و مملکتی به مواقع اجرا گذارده شود چنان‌که مصمم شدیم که مجلسی از منتسبین شاهزاده‌گان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و

اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود که در موارد لازمه در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه به عمل آورد و به هیئت وزرای ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوش‌بختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازمه را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خودشان را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات مهمه قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض رسانند که به صحه مبارکه موشح و به موقع اجرا گذارده شود. بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک و نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را مرتب و مهیا خواهید نمود، که بعون‌الله تعالی این مجلس افتتاح و به اصلاحات لازمه شروع شود و نیز مقرر می‌فرمایم که سواد دستخط مبارک را اعلان و اعلام نماید تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً رابع به ترقی دولت و ملت ایران است کما یبغینی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگوئی باشند، در قصر صاحبقرانیه تاریخ ۱۴ شهر جمادی‌الآخری در سال یازدهم سلطنت (این سواد مطابق با اصل دستخط مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه است) (مشیرالدوله)

پی‌نوشت:

۱- حبل‌المتین، ص ۱۴، ش ۶، جمعه ۱۷ رجب ۱۳۲۴ ق، ص ۱۷.

## دیدارها

میرزا نورالدین خان فدوی که در دستگاه عین‌الدوله راه داشت تمام ملاقات‌ها را زیر‌نظر داشت و به آزدادیخواهان اطلاع می‌داد خلاصه اینکه هنوز بیست و چهار ساعت از این ملاقات‌ها می‌گذشته بود که خبر آن در تمام شهر پیچید و همه با بدگویی از آن دیدار پادمی کردند.



سال سوم ■ شماره ۷۷۳ شرق

## هرج و مرج عامل بازتولید استبداد

حبیب‌الله بیمان

از کارکرد چرخه هرج و مرج و استبداد کار کناره‌گیری کرد، ولی شاه‌نپذیرفت و مجلس هم دوباره به وی ابراز تمایل نمود. مستوفی که رای تمایل مجلس را ضعیف ارزیابی می‌کرد، باز هم استعفا داد. این بار مجلسیان به موتمن‌الملک- پیرنیا- ابراز تمایل نمودند، ولی او زیر بار نرفت و رئیس‌الوزاری را نپذیرفت. سرانجام باز هم مستوفی‌الممالک به ناچار مأمور تشکیل کابینه شد.

در خزان این سال، سیدحسن مدرس مورد اصابت چند گلوله قرار گرفت که با تیزهوشی و واکنش سریع او، به زخمی شدنش انجامید. برخی از نمایندگان در مجلس سوءقصد به مدرس را نکوهیدند و خواستار مجازات عاملین آن شدند، اما نظمیّه توانست تئوریست‌ها را شاسایی و دستگیر کند!

درویش‌خان استاد مسلم تار ایران نیز در این سال هنگامی که با درشکه در حال عبور از خیابان امیریه تهران بود با اتومبیلی تصادف کرد و درگذشت. روزنامه‌ها به همین مناسبت نوشتند: «تار مرد!»

شوریده شیرازی شاعر نام‌آور نیز در این سال چشم از جهان فرو بست.

در بهمن‌ماه برخی نمایندگان مجلس دولت مستوفی را استیضاح کردند. مستوفی بی‌آنکه در مجلس حاضر شود، پاسخ استیضاح را کتبی به مجلس فرستاد و استعفا داد، اما باز هم شاه و مجلس به ریاست وزرای او تمایل نشان دادند و مستوفی نیز کابینه خود را به مجلس معرفی کرد. در این کابینه علی‌اکبر داور که وزیر عدلیه- دادگستری- بود، دست به کار بنیادینی زد و همه قضات پیشین را بیرون کرد. وی کلیه تشکیلات قضایی و اداری وزارتخانه را منحل کرد و طرحی نو درافکند. در این سال همچنین قانون مجازات عمومی به اجرا درآمد. پنجاه و هفت دانشجوی نظامی برای ادامه تحصیل راهی اروپا شدند و برای نخستین بار اتاق تجارت در ایران تشکیل شد. ریاست اتاق تجارت تهران با حاج حسین آقا امین‌الضرب- مهدوی- بود. کابل‌کشی زیرزمینی تلفن هم‌از اقدامات دولت در این سال بود. بلدیه- شهرداری- تهران نیز آگهی داد تا زمانی که چراغ برق در همه خیابان‌های تهران روشن نشده با چراغ زنبوری شب‌های تهران را روشن خواهد کرد.

لا‌ایحه راه‌اندازی و واگذاری اتوبوسرانی تهران به یک کمپانی دانمارکی نیز از سوی دولت در این سال تقدیم مجلس شد. همچنین در این سال، بانک رهائی ایران با سرمایه ۵۰۰/۰۰۰/۴ ریال و در محل سابق بانک استقراضی روس گشایش یافت. لا‌ایحه تاسیس راه‌آهن سراسری نیز در پایان این سال تقدیم مجلس شد.

خبرهای حوزه فرهنگ نیز یکی چاپ نشریه ایران‌مصور و دیگری چاپ نخستین شماره روزنامه اطلاعات به مدیریت و سردبیری عباس سعودی در تیرماه این سال بود.

پس نتیجه می‌گیرم در شرایطی که مردم و از جمله کارکنان سازمان‌های اداری و متصدیان امور از صدر تا ذیل، در وضعیت ناامن (به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانی و اجتماعی) به سر می‌برند و تعصبات اقتداردولت‌محرضی در قانون و کاهش مشروعیّت حکومت موجب رواج تعصبات و اقدامات خودسرانه در نظام اداری و سیاست‌گذاری کشور می‌شود. پیش از این تحولات، و محرومیت‌های سیاسی و اقتصادی وجود داشت و خشونت و تجاوز سازمان‌ و دستگاه‌های حکومتی، و ترس بی‌اعتدالی را در روان مردم رسوخ داده بود، اما اقتدار حکومت، دست‌کم مانع از تجاوز مردم عادی به یکدیگر می‌شد. در وضعیت سلطه و اقتدار دولت، تنها از تجاوز و بی‌عدالتی و خشونت یک نهاد می‌باید می‌ترسیدند، اکنون که آن اقتدار فرو ریخته و بندهای ترس از حکومت سست شده بود، از همسایه و همشهری و هموطن خود نیز می‌ترسیدند. شاید تجاوز احتمالی بیگانگان نیز که متصد فرصتی بودند تا دست به کشورگشایی بزنند حساب‌های تاریخی دیرین را تسویه کنند و بابت آنچه‌اکنون آرزو و پندار و خیال بود، جامه واقعیت بپوشانند.

در این وضعیت در برابر مردم چه امکان‌هایی وجود داشت. تا پیش از برقراری نظام مشروطیت، فقط یک راه در برابرشان گشوده بود. جز با یک مدل از حکومت و روش برقراری نظم و امنیت آشنایی نداشتند، یا امکان تحقق آن را در دسترس نمی‌دیدند. در شرایط هرج و مرج و ناامن، می‌باید آرزو کنند هرچه زودتر یک فرمانده پر قدرت سوار بر اسب با خیل جنگجویان خود یایغان و گردنکشان را رقیب متعدد را از میدان خارج کند و با گشودن تمامی سرزمین، همه قدرت را در دست‌های خود متمرکز سازد. با اعلام پادشاهی، نظم و امنیت را در سایه غلبه و زور برقرار کند. به عبارت ساده‌تر در آن دوران «تغلب» تنها راه کسب قدرت و مشروعیت بود، یعنی وقتی کسی به زور شمشیر، جنگ با مدعیان حکومت و پادشاهی و گردنکشان و طاغیان را تا فتح نهایی و تصرف قسمت اعظم یا تمامی قلمرو شناخته شده، پیش می‌برد و خود را زمامدار می‌نامید، با هر سابقه و اصل و نسب، پادشاهی‌اش پذیرفته می‌شد و رسمیت می‌یافت. توانایی کسب پیروزی و برقراری نظم به حاکمیت وی مشروعیّت می‌بخشید. پس بسیار طبیعی بود که با کاهش اقتدار حکومت و با گسترش دامنه هرج و مرج از دستگاه حکومتی به سراسر جامعه مدعیان پادشاهی یا آنان که منتظر فرصتی برای توسعه قلمرو اقتدار خود بودند از میان سران طوایف و اقوام یا وابستگان به پادشاه وارد میدان شوند و بعد از کسب پیروزی بار دیگر قدرت را متمرکز ساخته به آشوب خاتمه دهند و با خودکامگی فرمانروایی کنند. اما بعد از برقراری قانون اساسی و نظام مشروط، یک امکان دیگر در برابر مردم پدید آمد و بدیلی شد برای حکومت استبدادی یعنی حاکمیت قانون و بدیلی شد برای عامل «غلبه و ترور» (تغلب) و آن رضایت و رای مردم بود.